



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2300 – Student Glossary – UNIT 2303

Unit No: 2303

Tags: American Language Course, UNIT 2303, Glossary

Starve	گرسنگی کشیدن، خیلی گرسنه بودن	Trash	آشغال، زباله
I'm starving!	دارم از گرسنگی می میرم!	Can	قوطی، سطل
Table cloth	سفره	Trash can	سطل آشغال
Spread	پهن کردن، گسترده	All set	آماده
Grass	چمن	We're all set now.	ما الان آماده ایم.
Level	مسطح، زمین صاف و هموار	Literal	لغوی، مربوط به لفظ یا لغت
Peanut	بادام زمینی، پسته شام	Literally	بطور تحت اللفظی، به شکل لغوی
Peanut butter	کره بادام زمینی	Yellow	زرده تخم مرغ آب پز شده
Jelly	ژله	Mash	له کردن، در هم آمیختن، به صورت معجون در آوردن
Stuff	داخل چیزی را پر کردن، چپاندن، تپاندن	Mayonnaise	سس مایونز
Stuffed egg	تخم مرغ آب پز که داخل آنرا با مواد مختلف پر شده	Put back	برگرداندن
Celery	کرفس	Strip (n.)	تکه، باریکه، نوار، قطعه باریک و بلند
Carrot	هویج	White	سفیده تخم مرغ آب پز شده
Stick	میله، شاخه، چوبدستی، عصا	Colloquial	گفتاری، محاوره‌ای، عامیانه
Carrot sticks	تکه‌های برش برش شده هویج خام	Mild	خفیف، سبک
Go to town	ولخرجی کردن، بریز و پیاش کردن	Exclaim	بانگ بر آوردن، داد زدن از روی تعجب یا پرخاش یا تشر
You really went to town.	خیلی بریز و پیاش کردید. حسابی توی خرج افتادید.	Exclamation	فریادی که از روی تعجب یا پرخاش یا تشر برآید.
Coke	نوشابه گازدار	Pleasure	لذت، خوشحالی
Bottle	بطری	Surprise	تحیر، تعجب، جا خوردن
Bottle opener	در بازکن	Slang	خودمانی، کاملاً غیر رسمی
Delicious	خوشمزه	Sense	حس
Ant	مورچه	Do a lot	خیلی زحمت کشیدن
You can't have a picnic without ants.	نشد ما یک پیک نیک بریم مورچه نباشه اونجا.	Do a good job on something	کاری را با موفقیت انجام دادن
My (Interj.)	(حرف ندا) به به	Oh, dear!	عبارت ندایی که هنگام تعجب یا پرخاش و یا نارضایتی از کاری که انجام شده استفاده می شود.
My, that tastes good.	به به! خوشمزه است.	Why, thank you.	
Why, thank you.	خواهش می کنم. ای بابا، خجالتمون ندید. (عبارتی است که در جواب تعریف و تمجید از کسی و یا وقتی که چیزی به کسی تعارف می کنند گفته می شود.)	Compliment	تعریف و تمجید کردن، تحسین کردن
Take a walk	قدم زدن (به صورت تفریحی)	Ordinary (adj)	معمول، عادی، طبیعی
Cook (n.)	آشپز	Ordinarily (adv)	بطور معمولی، معمولاً، بر حسب معمول
		By walking	پیاده، بطور پیاده
		Walk	پیاده به جایی رفتن
		It can be used in any person.	آن می تواند برای هر شخصیتی به کار رود.



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2300 – Student Glossary – UNIT 2303

Unit No: 2303

Tags: American Language Course, UNIT 2303, Glossary

Trash basket	سبد زباله، سطل خاک	Establish	مقرر کردن، تعیین نمودن
Equivalent	معادل، هم معنی، برابر	Determine	معین کردن، مشخص کردن
Spot	نقطه، محل	Land	زمین، سرزمین
Level spot	محل مسطح و هموار	Amendment	اصلاحیه، الحاقیه (قانونی)
Stretch	پهن کردن، گستردن	Alteration	تغییر، دگرگونی، دستکاری
Smooth place	محل مسطح و هموار	Adopt	پذیرفتن، قبول کردن
What's for dessert?	دسر چی؟ دسر چی دارید؟	Bill of Rights	منشور حقوق شهروندان، منظور ده اصلاحیه‌ی نخستین که بر قانون اساسی ایالات متحده امریکا نوشته شده و برخی از حقوق اساسی شهروندان مانند آزادی بیان و مذهب و گردهمایی را تضمین می‌کند می‌باشد.
Eat up	تا ته چیزی را خوردن، تمام کردن	Assure	تضمین کردن، گارانتی کردن
Drink up	تا ته چیزی را نوشیدن، تمام کردن	Worship (n.)	پرستش
Put away	دور انداختن	Assemble	گرد هم آمدن، دور هم جمع شدن، اجتماع تشکیل دادن
We'll put away everything.	همه چیز را دور خواهیم ریخت.	Peacefully (Adv.)	بطور مسالمت آمیز، آشتی جویانه
Outline	بیان کردن، ترسیم کردن، نشان دادن	Property	مال
Responsibility	مسئولیت	Charge (with)	متهم کردن
System of law	نظام حقوقی	Accuse (of)	متهم کردن
County	هر یک از بخشها یا ناحیه‌های هر ایالت در آمریکا	Try	محاكمه کردن، دادرسی کردن
Township	هر یک از بخشها یا ناحیه‌های شهری	According to	مطابق با، طبق
Division	بخش، ناحیه	Organize	سامان دادن، سازماندهی کردن
Head	رئیس	Branch	شاخه، شعبه، هر یک از قوه‌های اصلی دولتی مثل قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه مقننه
Director	مدیر	Division	بخش، قسمت
Name	انتخاب شدن	Executive	قوه مجریه، اجرایی
Comparable	قابل مقایسه، مشابه، شبیه	Legislative	قوه مقننه
Minister	وزیر	Judicial	قوه قضائیه
Way	روش، طریق، راه، متد	Enforce	اجرا کردن، اعمال کردن
Manner	روش	House of Representatives	مجلس نمایندگان آمریکا
Voting	رأی گیری	Law	قانون
Secret	سری، محرمانه، مخفیانه	Rules	مقررات
In secret	بطور محرمانه، مخفیانه	Interpret	تعبیر کردن، بیان کردن، تفسیر کردن
So that	تا اینکه	The Supreme Court	دیوان عالی کشور
Official	مقام دولتی، مأمور رسمی		
Public official	مقام دولتی		
Remove	برداشتن، از کار برکنار کردن		
Dismiss	برکنار کردن، عزل کردن		
Individual (adj.)	مجزا، تک تک، جداگانه		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Volume 2300 – Student Glossary – UNIT 2303

Unit No: 2303

Tags: American Language Course, UNIT 2303, Glossary

Prevent	جلوگیری کردن
Elementary	ابتدایی، اولیه
Fundamental	بنیادی، اصلی، پایه‌ای
Blanket	پتو
Spread the blanket out.	پتو را پهن کن.
That is (to say)	به عبارت دیگر
Unfold	پهن کردن، گسترده کردن
Totality	کلیت، تمامیت
Unusually (adv)	فوق العاده، بطور غیر عادی
Last night it was unusually cold.	دیشب فوق العاده سرد بود.
Whisper	پچ پچ کردن، درگوشی حرف زدن، زمزمه کردن
Consider	در نظر گرفتن
Innocent	بی گناه، بی تقصیر
Guilty	مقصر، تقصیر کار، گناهکار